



بیستین سالگرد کشته شدن دکتر شاپور بختيار

ششم آگوست ۲۰۱۱ برابر با بیستین سالگرد کشته شدن زنده یاد دکتر شاپور بختيار، جنایتی که خاطره دردناک و تکان دهنده اش هرگز از خاطره ها بیرون نخواهد رفت. دکتر شاپور بختيار میهن پرستی که درس میهن پرستی را از بیگانگان آموخته بود، نه با خواندن شاهنامه‌ی فردوسی و زندگی نامه‌ی مردان بزرگ تاریخ ایران!

از سخنان گهربار ایشان:

"من قانون اساسی ایران را، با حذف ارکان مربوط به سلطنت ترجیح می دهم. من شاه ایران را، از ایران بیرون کردم تا ارتش از یکپارچگی ساقط گردد و ارتش کشتار نکند. من این امکان را داشتم که جلوی آمدن خمینی را به ایران بگیرم، نه فقط اینکار را نکردم، بلکه خواستم به ایران بیاید، زیرا می دانستم که او پیر و فرتوت است، و نمی تواند در سن ۶۵ سالگی، سیاست را شروع کند، و انقلاب کند. من در مدت صدارتم، هر کاری که جبهه ملی، قشربون، و کمونیستها از من خواستند، به تمام و کمال انجام دادم. من رکن مربوط به حق نظارت روحانیون بر قوانین را که که طبق قانون اساسی ۱۹۰۶ تصریح شده، قبول دارم و معتقد هستم که هیچ قانونی که مغایر با اسلام باشد نباید تصویب بشود. قصد من از بیرون کردن شاه، نه موقتی، بلکه برای همیشه بود. من انتظار داشتم، که خمینی برای اینکار، پادشاه بزرگی بمن بدهد. یا باید شاه می ماند، که طبیعتا ارتش هم با او بود، و تنها یکره داشت، که شاه برود و ریشه این وابستگی باید بریده می شد."

(دکتر شاپور بختيار در گفتگو با "چارلز داگلاس"، ، خبرنگار روزنامه "تایمز"، فوریه 1980)

پیرو فرمایشات ایشان به چند نکته در کارنامه‌ی ایشان بسنده میکنم و داوری در باره‌ی خدمات ملی یا اشتباهات ضد ملی ایشان را به تاریخ و ملت ایران می سپارم.



دکتر بختیار پس از رسیدن به نخست وزیری بدون درنگ سازمان اطلاعات امنیت کشور (ساواک) را منحل می‌کند، گوئی که برای انتقام‌گیری، نخست وزیری دوران بحران را پذیرفته بود. ژنرال‌های خائنی چون قره‌باغی (وابسته‌ی سی‌آی‌ای) و فردوست (وابسته‌ی دولت فخمه) سایر فرماندهان ارتش را تشویق (مجبور) به برکناری می‌کنند و ارتش را به خمینی گجستک تسلیم، و دکتر بختیار نیز بدون درنگ و اندیشه‌ای برکناری دسیه جمعی ارتشیان را می‌پذیرد و هرگز کلامی مبنی بر اینکه دولت و ارتش نباید تن به چنان ننگی بدهند، نمی‌گوید.

دکتر بختیار به روزنامه‌ی سیاسی می‌گوید: "جزایر سه گانه خلیج پارس به ایران تعلق ندارد و از سالها پیش متعلق اعراب بوده است!" و به روزنامه‌ی پاری‌ماچ در سال ۱۹۸۵ در بحران جنگ عراق می‌گوید: "ای کاش خارک را با هواپیماهای فرانسوی بمباران میکردند!"

به گمانم دکتر بختیار وارد میدان شده بود تا انتقام بگیرد و به دوران پهلوی پایان بدهد و دستور اربابان جزیره نشینش را اجرا کند، که کرد و چند سال پس از آن بدستور همان جزیره نشینان و بدست تروریست‌های نا جمهوری ننگین اسلامی کشته شد تا مبادا روزی اسرار مزدوران و خائنین به کشور را فاش سازد.

دکتر بختیار با لغو قراردادهای تسلیحاتی ایران و آمریکا که ما بهای آنها را نیز پرداخته کرده بودیم خدمات خود به بیگانگان تکمیل کرد! او اولین کسی بود که خود را به خرمنی فروخت و نا گفته نماند که او از دوستان و یاران بسیار نزدیک مهندس بازرگان و جناب دکتر یزدی در جبهه‌ی ملی بود. انحلال ارتش و سازمان اطلاعات و امنیت کشور برای باز کردن راه خمینی (درواقع باز کردن راه انگلستان) برای تصاحب ایران بوده است. آیا کسی را که ارتش را منحل می‌کند و کشورش را به دست دشمن می‌دهد، میتوان میهن پرست نامید؟

آقای بختیار را در مورد جزایر سه گانه ایران در خلیج پارس که پس از ۸ سال مبارزه و اراده‌ی شاهنشاه آریامهر و ارتش شاهنشاهی ایران از اشغال انگلیسی‌ها و اعراب آزاد شد و بخاک ایران پیوست، گفته بود: **جزایر سه گانه متعلق به ایران نیست و ایران نباید برسر آنها با همسایگان خود کشمکشی داشته باشد.** مجله ارمان سندی در شماره مورخ ۲۳ ژانویه سال ۸۲ خودبه دنیا ارایه داده است.

این توطئه‌های مشترک روزنامه‌های عربی و شاپور بختیار که برای محق جلوه دادن تجاوز عراق به خاک ایران تدارک شده و نیز گویای معاملات خائنه‌ای در مورد جزایر ایران بین بختیار و عراق است بشدت محکوم هستند.



مصاحبه بختیار با پاری‌ماچ به تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۸۳

دولت عراق از کشور فرانسه تعدادی هواپیماهای سوپراتاندا که پیشرفته‌ترین هواپیماهای آن زمان بود ۱۹۸۰ خریداری کرده بود ولی دولت فرانسه به مناسبت اینکه عراق آغاز کننده‌ی جنگ بود و از طرفی این هواپیماها قادر به بمباران صنایع نفتی ایران براحتی بودند و این امر منجر به بحران انرژی در جهان می‌شد، آن موقع رییس جمهور فرانسه والرئ ژیسکارد دستن بود .

گزارشگر پاری‌ماچ به بختیار می‌گوید:

ژیسکارد دستن، گفته است؛ فرانسه در تحویل هواپیماهای سوپراتاندا مرتکب یک بی احتیاطی بزرگ شده که میتواند موجب یک بحران نفتی بشود.

بختیار پاسخ میدهد:

من به هیچوجه با او هم عقیده نیستم و حتا متاسفم که ژیسکارد دستن بعد از آنکه خمینی را به فرانسه پذیرفت، با او همکاری‌های لازم را نکرد.

گزارشگر سؤال میکند: اگر عراقیها تصمیم بگیرند که ترمینال نفتی خارک را بمباران کنند سوپراتانداهای فرانسوی چه خواهد شد؟

بختیار پاسخ می‌دهد:

بهتر بود عراقی‌ها به جزیره خارک حمله می‌کردند. اگر عراقی‌ها با بریدن شاه‌رگ نفت ایران زیر پای خمینی را خالی میکردند و ایران از درآمد ۶۰ میلیون تن نفت در روز محروم می‌شد. جنگ بدون درنگ پایان می‌پذیرفت.

دکتر بختیار دوبار حقوق ایران را نسبت به جزایر سه گانه ادعای غاصبانه و تجاوزکارانه خوانده است، یکی همان گفتگوی با روزنامه‌السیاسیه ، و بار دوم با روزنامه گویش ترکیه به تاریخ

۲۳ ژوئن ۱۹۸۵ .

موظفه‌ی دکتر شاپور بختیار، رادیو تهران، بهمن ۱۳۵۷

در این ساعات، که حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی پس از سالیان دراز وارد خاک کشور می‌شوند، دولت (دولت بختیار) ضمن تبریک و تهنیت به کلیه مسلمانان ایران، لازم می‌داند نکات زیر را به اطلاع عموم برساند:

ورود آیت‌الله باید بر روی یک برنامه صحیح باشد و مسئولیت پلیس و عوامل ما برای حفظ جان ایشان در این زمینه باید کاملا روشن باشد.



دولت، کلیه نظرات و راهنمایی‌های معظم‌له (خمینی) و سایر آیات عظام را مغتنم می‌شمارد. من شخصا نیز حاضرم از نصایح ایشان (خمینی) از نظرات ایشان، از خواسته‌های ایشان، و آنچه مربوط به سیاست مملکت باشد، با افرادی که ایشان تعیین می‌نمایند، حداکثر استفاده و همکاری را بکنم.

شاپور بختیار، مجله نیوزویک ۱۹۸۲

گروهی از هواداران نظام پادشاهی و در میانشان چند تن از نزدیکان شاه و بویژه نزدیکان اشرف پهلوی به من پیشنهاد یک مقام در بازگشت به ایران را دادند، که من در اینجا اعلام می‌کنم، ترجیح می‌دهم که قدرت خمینی در ایران باقی بماند؛ تا این که این **حرامزاده‌ها** (طرفداران پادشاه) ایران را نجات دهند.

دکتر بختیار می‌گوید: همان گونه که در معرفی برنامه‌های خود به مجلسین گفتم. این برنامه یک برنامه فوری کوتاه مدت بود برای انتقال یک رژیم دیکتاتوری به یک رژیم آزاد سوسیال دموکرات، البته برای رسیدن به این هدف مسائل و مشکلاتی وجود دارد که برای بعضی از آن‌ها مدتی زمان لازم است. در زمینه مبارزه و پایان به آن چه را که من به آن نام "فساد" عمومی داده‌ام، دو طرح به مجلس دادم که یکی مربوط به انحلال ساواک و دیگری محاکمه افرادی که در این ۲۵ سال گذشته به این فساد دامن زده بودند.

- اگر دکتر بختیار اندکی آگاهی و درایت داشت، می‌باید به دنبال جذب مردم، دیگر گروهها و سازمانهای کشور می‌بود، اما او با انحلال ساواک، ارتش را هم از دست داد و مردم عوام که همه گوش به فرمان خمینی بودند، وارد صحنه شدند و کنترل از دست دولت خارج گردید.
- رخنه کردن ترس و وحشت در کادر دولت، کادر ارتش و پلیس کشوری، همراه بود با رفتن به زیر دامان خمینی و بازکردن درب پادگانها و بردن خمینی با هلیکوپتر تا بهشت زهرا جهت ایراد نطق تاریخی خودش برای مردم نا آگاه آن زمان.
- شادروان تیمسار سرلشگر رحیمی را که توسط تنی چند از ارتشیان خودفروخته در دفترش ربوده شده بود، دست بسته به دادگاه ابراهیم یزدی و خلخالی آوردند، دستش را قطع و او را تیرباران کردند. (ربایندگان تیمسار رحیمی با این عمل زشت و ناپسند جان خود را خریدند تا مانند ساواک وارد لیست سیاه نشده و اعدام نشوند).
- آیا مرگ دکتر بختیار در فرانسه که برای آزادی فرانسه دوشادوش فرانوویها جنگیده بود و با وجود پلیس نگهبان درب خانه اش او را کشتند، دلیل حقانیت او بود یا نتیجه اعمالش؟



شوربختانه سنت مرده پرستی اسلام ننگین، در فرهنگ ما ایرانیان اثر ژرفی از خود بجای گذاشته و مرگ هر شخصی آغاز تقدیس از او گشته بی آنکه در نتیجه کردار او دقت کنیم.

- بختیار، سنجابی، فروهر، صدیقی، بازرگان و دیگر روشنفکران گمراه تنها از جامعه‌ای میتوانند بیرون بیایند که مردم آن جامعه نا آنگاه به معنی واقعی باشند. این افراد از آنجا که تنها نام روشنفکری را با خود می‌کشند، خود را به هر جریانی می‌سپارند زیرا که جریان فکری آنان از راستی های تاریخ سرچشمه نگرفته است و تا زمانیکه مردم ایران خود را به هر جریانی وصل کنند که ریشه‌ی آن دور از حقیقت باشد نتیجه مردم و کشور ما چیزی جز 28 مرداد و کودتای 57 نخواهد بود. سرچشمه‌ایکه از دل کوههای ایران آغاز گردد، میتواند آبی پاک برای ما به ارمغان بیاورد.

مزدوران رژیم به کمک ملی مذهبی‌ها پا را فراتر گذاشته و در پی به انحصار کشیدن مبارزات آزادیخواهانه ملت ایران هستند و با بی شرمی خود را در رسانه های غیر ملی صدای مردم ایران معرفی میکنند.

روز اول مهر با گردهم آئی در مقابل سفارتخانه‌ها و سرکونسولگری‌های (لانه جاسوسی) این رژیم فاشیستی در سراسر جهان. ما ایرانیان خواستار پایان روابط دیپلماتیک غرب با حاکمیت جنایتکار بوده و هستیم و در راه همبستگی با مبارزات مردم در ایران به خیابان می‌آییم.

شرم بر ما باد اگر به نابودی تمامیت ناجمهوری اشغالگران اسلامی تردید کنیم. باید به خرد انسانی و آگاهی خویش بازگردیم که بهتر اندیشیدن، بهتر بودن، بهتر ساختن، بهتر زیستن، همه در پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک برای ما از نیاکانمان بجا مانده است.

دکتر نوشیروان حاتم

بنیاد ایرانیان

۱۵ مرداد ۲۵۷۰ شاهنشاهی | ۶ آگوست ۲۰۱۱ مسیحی